

عنوان مقاله:

شهر و ده در اندیشه مولوی

محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، دوره 4، شماره 12 (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسنده:

عبدالرحیم ثابت - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم

خلاصه مقاله:

یکی از جنبه های پویا و پیشرفته اندیشه مولوی، شهرگرایی اوست. شهر، پیشرفته ترین شکل زندگی اجتماعی انسان و بستر تکامل اندیشه و فرهنگ است. مفهوم فراخواندن به شهر، در واقع دعوت به تفکر در ساحتی گسترده تر است. مولوی زاده بلخ است که خود یکی از شهرهای بزرگ و باشکوه دنیای قدیم به شمار می رود. او افزون بر بلخ، در بلندآوازه ترین مراکز پویا و زنده فکر و فرهنگ زمانه دم زده و شهرهایی چون بغداد، نیشابور، حلب و دمشق را دیده و تجربه کرده است. به همین دلیل، در مثنوی، فیه مافیه و نیز در غزلیات، با شور و شوق از شهرهای بزرگ نام می برد و شهرگرایی را ستایش می کند و هم زمان به نقد نگرش محدود و بسته و ذهنیت ساده و ابتدایی مردمان جوامع خود می پردازد. در مقاله پیش رو، درباره این جنبه از تفکر مولانا بحث و بررسی خواهد شد.

کلمات کلیدی:

مثنوی، مولوی، شهر، ده، روستا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/853005>

